

این بیماری در روستاهای شمال کشور، آتش زدن کلبه‌های گلی است.

شهرها با انسان‌ها سازگارتر می‌شوند

قاسمی می‌نویسد: «ارزیابی تأثیر بحران کرونا بر شهر و شهرسازی نیازمند گذشت زمان و نشانه‌های اولیه این موضوع است. شهر در جریان بحران کرونا می‌تواند مانند یک شمشیر دولبه عمل کند. شهرها بخش بزرگی از مشکل هستند زیرا گسترش و انتقال بیماری‌های عفونی از طریق تماس انسانی را تشدید می‌کنند. از طرف دیگر شهرها نقش مهمی در آماده‌سازی، کاهش و سازگاری با همه‌گیری‌ها دارند.»

بحران‌هایی مانند کرونا نشان داد که تجمع و افزایش تراکم در سطح زمین علاوه بر افزایش تعاملات اجتماعی، نظام روابط بین مراکز مدیریت بیماری از طریق محدودکردن و قرنطینه را با مشکل روبه‌رو می‌کند. از طرف دیگر، تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که در مواردی تخلیه آبادی‌ها و شهرها بر اثر بحران‌های مشابه با جایگزینی جمعیت و تغییر در کمیت و کیفیت جمعیت همراه بوده است. «قاسمی معتقد است که با توجه به این مسأله در مدیریت بحران این نوع از بیماری‌ها بر شکل‌گیری خوشه‌های خوداتکا و روابط شبکه‌ای تأکید خواهد شد. به تعبیری پاسخ‌دهندگان با قطعیتی رو به بالا با این نظر موافق بودند که به احتمال زیاد تغییر رویکرد بالا بر سازمان فضایی در سطح منطقه و نیز سازمان فضایی شهرها تأثیرگذار خواهد بود اما این تأثیر در کوتاه‌مدت خود را نشان نمی‌دهد.

از طرف دیگر موضوع روابط فضایی و پیوندهای تعریف‌شده برای مدیریت بحران، تعریف استان‌های معین هر شهر و استان در مواقع مدیریت بحران‌های طبیعی در شرایط قرنطینه و محدودیت‌های ارتباطی و تغییر الگوی رفتار متأثر از نوع بحران، نظم اساسی در پی بی‌نظمی‌های ظاهری است. در این شرایط روابط و پیوندهای مکانی اهمیت خود را از دست داده، چارچوب‌های جدیدی از پیوندها در بستر شبکه‌ها و تکنولوژی جدید شکل خواهد گرفت که تبادل اطلاعات و نوآوری در مدیریت بحران در این کانال‌های ارتباطی توسعه خواهد یافت.

فضاهای خرد شهری در برابر فضاهای بزرگ

شهرهای مدرن در دنیا خود را برای تجربه قرنطینه‌نشینی در روزهای شیوع کرونا آماده نکرده بودند. قاسمی معتقد است: «جامعه ایرانی از نظر تاریخی و در بستر مدرنیزاسیون پرشتاب اتفاق افتاده، هنوز فرصت کافی برای گسست کامل از گذشته خود را پیدا نکرده و جامعه‌ای پارادوکسیکال است. هم علاقه‌مند به گذشته و هم علاقه‌مند است که پرسه‌زنی در شهرهای مدرن را تجربه کند. از همین رو نمی‌توان قواعد حاکم بر جامعه چین یا ژاپن را بر جامعه ما حاکم کرد.»

از طرف دیگر پرسه‌زنی در بازارها و مال‌ها و کوچه‌نشینی در حاشیه‌ها به نوعی به فرهنگ ما انسان‌ها تبدیل شده بود که این روزها از ما دریغ شد. برای یافتن راهکار برای موضوع شبکه‌ای‌شدن نظام و شکل‌گیری نظام نامتقارن و پیامدهای نظری چنین نظمی بر راهبرد بازدارندگی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. نظریه پیچیدگی و آشوب سامان و سازه سیستمی را در برمی‌گیرد که به دلیل تنوع در اجزای آن هر چند به نظر می‌رسد نوعی بی‌نظمی بر آن حاکم است اما در بردارنده نظمی مشخص است. چنین سامانه سیستمی الگوی رفتاری نامنظم و غیرخطی و پیش‌بینی‌ناپذیر دارد. در چنین شرایطی شناخت نوع رفتار در مکان برای هوشمندسازی واکنش‌های سیستم، شناخت نظم مکانی و رفتاری سیستم به‌ظاهر منظم ضروری است.

محللات کوچک می‌شوند یا بزرگ؟

قاسمی در بخش دیگری از مقاله‌اش درباره تأثیرات کرونا بر محللات می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که محله از بعد عینی و ذهنی در پاسکرونا دچار تغییراتی خواهد شد و از نظر اندازه کوچک‌تر و از نظر ذهنی محدودتر می‌شود. در چنین فضای ذهنی، مرزهای محللات به شیوه سنتی، مرزهای فیزیکی و لبه‌های کالبدی ارزش و اهمیت خود را به لبه‌های ذهنی و انسانی خواهد داد. تکنولوژی ارتباطی و فناوری مجازی بر غیرکالبدی‌شدن مفاهیمی همچون مرز محللات و عناصر مرکزی محللات تأکید خواهد کرد.»

دنیای در انتظار شهر هوشمند

این روزها احتمالاً بیشتر ما ایرانیان تجربه خرید آنلاین را پیدا کرده‌ایم. شهر الکترونیک و هوشمندسازی شهرها جزء برنامه حداقل دو شهرداری قبلی تهران و دولت‌های گذشته در ایران بوده است. قاسمی در این پژوهش تأکید دارد: «امروز بیش از هر چیز نیاز زمان به بازتولیدی از شهر الکترونیک پرداخت است که تاکنون با این شتاب تحقق پیدا نکرده بود. توسعه شتابان در الکترونیک و هوشمندشدن شهر و فضای شهری از نمودهای عینیت‌یافته این زمان است.»

در پایان باید مجدداً تأکید کرد که هر چند ویروس کرونا در وهله اول به عنوان بیماری تلقی می‌شد که قرار بود سلامت انسان را به خطر بیندازد اما به نظر می‌رسد که این ویروس قرار است نظام و کاربری‌های شهر را چارگردیسی کند. بنابراین می‌توان آن را به صورت یک تحول درازمدت در شهر و فضای شهری تعریف کرد. کرونا نظام شهری را از نو تولید می‌کند؛ بازتولیدی که البته توجه ویژه‌ای به شهر الکترونیک خواهد داشت. □



مریم کامیاب / خبرنگاری مهر □

گزارشی از پژوهش تأثیر کرونا بر شهرسازی آینده

شهرسازی نظم تازه‌ای پیدا می‌کند

➔ توجه ویژه دوران پاسکرونا به شهر هوشمند

[شهروند] کرونا این روزها بر همه چیز تأثیر گذاشته است؛ از اقتصاد که

شاید نخستین نشانه این ویروس برای اثرگذاری بود گرفته تا شهر و محللات مختلفش. شهرسازی هم از تأثیرات ویروس کرونا در امان نیست. ایرج قاسمی، دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، در مقاله پیامد کرونا بر شهر و شهرسازی آینده نوشته است: «شهر به عنوان سیستمی پیچیده و آشوبی عمل می‌کند که با ورود بی‌نظمی در تلاش برای دستیابی به نظم جدیدی است.»

شهرسازان انتظار دارند پس از این رفتن پاندمی کرونا فضای شهری به طور کلی دگرگون شود. روابط بین مراکز فعالیت، سکونت و فضا دچار تحول شده و الگو و رفتار جدیدی را پی‌ریزی کنند که خود فضای شهری جدیدی بازتولید می‌کند. قاسمی در پژوهش پیامدهای کرونا بر شهر و شهرسازی آینده که در فصلنامه علمی- تخصصی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی ویژه دوران کرونا منتشر شده است، پیش‌بینی‌هایی درباره سرنوشت آینده شهرها و شهرسازی در کشورها داشته است.

کرونا به مثابه یک پدیده اجتماعی

کرونا پس از ورودش به کشورها با چنان سرعت و شتابی پیش رفت که موجی از تحولات را در ابعاد مختلف برای بشریت پدید آورد. قاسمی در این باره نوشته است: «به دنبال شیوع کرونا موجی تازه از تحولات در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد شد. به طوری که این پدیده از یک پدیده اجتماعی و اقتصادی به پدیده شهرنشینی تبدیل شد. برعکس سایر اپیدمی‌ها این بار کرونا ثروتمند و فقیر و شمال و جنوب را به یک چشم نگاه می‌کند؛ اما همواره گروه‌های آسیب‌پذیر به دلیل ناتوانی در رعایت موازین بهداشتی و الزام برای کار و تأمین حداقل معیشت خانواده و پرسه‌زنی اجتماعی برای فرار از مسکنی که محل سکونت نیست، بیشتر در معرض بیماری قرار دارند و این زمینه‌ای دیگر را برای درگیری اجتماعی و اقتصادی سایر گروه‌ها فراهم می‌کند.»

با توجه به اینکه در زمان کرونا بسیاری از اماکن شهری بسته شده و شهرها به حالت قرنطینه درآمدند، انتظار می‌رود بخشی از فرآیندها که به فرهنگ و سبک زندگی بار شده، در آینده خود را تثبیت کند. قاسمی می‌گوید: «در این صورت اگر به تعبیر لغوی فضا بازتولیدی از فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی دانسته شود، انتظار می‌رود فضا و کالبد شهری در این جریان به بازتولید خود بپردازد که می‌تواند در ادامه گذشته با متفاوت با آن باشد. به تعبیر دیگر بحران کرونا بر فضا و مکان در شهر تأثیر گذاشته و تغییراتی در آن ایجاد می‌کند.»

سیستم‌های شهری، تأثیرات جزه به جزه

به طور کلی سیستم جهانی نوین در قالب سیستم‌های پیچیده و آشوب قابل بررسی است. در چنین سیستمی تنها نظریه پیچیده و آشوب است که توان تحلیل چنین سیستمی را دارد.

قاسمی در این باره می‌نویسد: «شهر به عنوان سیستم پیچیده و آشوب قابل تحلیل است. براساس این چارچوب تحلیلی الگوی رفتار به‌عنوان نخستین جزء این سیستم از حالت سنتی و سلسله مراتبی میادی و مقاصد مشخص و تعریف‌شده به روابط نامتقارن، متنوع، فاقد مرز و فاقد نظم سلسله مراتبی تغییر می‌یابد. در این حالت انسان به‌عنوان عامل و ناقل بیماری رفتاری پیش‌بینی‌ناپذیر دارد و فضاهای شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این روابط شبکه‌ای هر عضو بدون توجه به جایگاه خود در نظام سلسله مراتب

شهری و نیز اندازه و ابعاد کارکردی با مقاصد بزرگ‌تر و کوچک‌تر خود به صورت مستقیم و چرخه‌ای رابطه برقرار می‌کند. در نتیجه مشاهده می‌شود که بعد از آلوده‌شدن یک شهر بزرگ، احتمال آلوده‌شدن یک روستا در دورافتاده‌ترین مکان یا با آلوده‌شدن محله‌ای از شهر، محللات و فضاهای بزرگ و کوچک دیگر بسته به نوع ارتباط و الگوی رفتاری انسان شهروند تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی تنوع تهدید هم از نظر موضوعی و هم از نظر مکانی مشاهده می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که هر تغییر رفتار کوچک و بزرگی در سیستم شهر روی تمام ابعاد آن موثر است و تأثیرات بزرگ‌تری در کل سیستم به وجود می‌آورد.

شهرها در گذر زمان

قاسمی در ادامه به پیشینه تاریخی بیماری‌های همه‌گیر و تأثیراتی که روی شهرها و شهرسازی گذاشته‌اند، پرداخته است. او با اشاره به بیماری آنفلوآنزای اسپانیایی، وبا و سل نوشته است: «در حوزه شهر و شهرسازی بیماری‌ها و بهداشت شهری بستری شد تا مداخلات شهرسازانه بر پایه آنها صورت بگیرد؛ به‌عنوان نمونه دومین اصل هوسمان، شهردار معروف پاریس، برای این شهر عبارت بود از «وضعیت بهداشتی شهر با از میان بردن کوچه پس‌کوچه‌های منشأ بیماری‌های واگیردار ارتقا یابد. با این اصل مداخله در شهر پاریس و ایجاد خیابان‌های عریض در محللات پرتراکم شهر اتفاق افتاد. او همچنین در بخش‌های دیگری برخی اثرات و پیامدهای جهانی بیماری‌های عفونی را در چند محور دسته‌بندی کرد. «اهمیت وبا تنها در میزان کشتار و کاهش جمعیت نبود بلکه درک اجتماعی کسانی هم که شاهد این کشتار بودند، نکته مهمی بود. آنان دریافته‌اند که قربانیان این بلا در درجه اول از تنگ‌ستانی بودند که تاب مقاومت جسمی نداشتند، بنابراین به سرعت مرحله انکار به بی‌تفاوتی و تغییر اتفاق افتاد. از طرف دیگر در جوامع پرجمعیت واردگاه‌ها احتمال ابتلای بیشتر بیماری وجود دارد. می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد در جاهایی که فقرا و پناهندگان زندگی می‌کنند که خدمات بهداشتی و آب آشامیدنی ضعیف است، احتمال خطر بالاست و انتقال شخص به شخص در این مناطق که تراکم جمعیت بالاتر است، بیشتر می‌شود. از طرف دیگر همه‌گیری طاعون در اروپا سبب افزایش تقاضا برای تولیدات شهری شد.»

ایران زیر ذره‌بین بیماری‌های واگیردار تاریخی

ایران هم در زمینه بیماری‌های تاریخی شرایط مشابهی را تجربه کرده است، شهرها گاهی همان الگویی را دنبال می‌کردند که سایر شهرهای اروپایی پی می‌گرفتند تا بتوانند بیماری را کنترل کنند. قاسمی نوشته است: در دوران صفویه راه‌حل کنترل بیماری وبا را قرنطینه کامل ایران و بسته‌شدن کامل بندر، ورود و خروج کالا و افراد می‌دانستند.

دولت وقت از قرنطینه حمایت کامل نکرد و با این حال فقط در دوران صدارت امیرکبیر این دولت‌مرد مرز ایران با عراق را برای جلوگیری از وبا قرنطینه کرد؛ البته در منابع دیگری نیز آمده است که قرنطینه مرزهای شمالی در سال‌های ۱۲۹۷ بیشتر به دلایل سیاسی بود تا تخصصی. پس از شیوع وبا، بیماری طاعون از کشور همسایه وارد ایران شد و در حالی که عده‌ای معتقد بودند که این بیماری در ایران پا نمی‌گیرد و زود از بین می‌رود دو سال در ایران ماندگار شد و در بعضی مناطق ساحلی ایران چنان آلودگی‌های انسانی را بالا برد که آبادی‌ها و روستاها خالی از سکنه شد. در آن زمان مردم تصور می‌کردند که یکی از راه‌های از بین بردن

